



چند لحظه سکوت می کنم، برای کارگرانی که در اعماق معدن سوما در ترکیه برای تهیه معاش خود از جان خود مایه گذاشتند و زندگیشان را در راه تامین نان خانواده خویش فدا کردند. با درود بیکران و سپاسگزاری از اینکه از ایران من را به عنوان یک کارگرو فعال سندیکایی به نشست و گرد همائی خودتان دعوت کردید ، متأسفانه مسئولین ما حتی دعوت از کارگر را هم با نگاه و دید امنیتی می بیند ، در حالی که شما ازادنه می توانید اعتراض کنید و یا مراسم اول ماه می برگزار کنید.

در کشورما من خود شاهد بودم که حتی تحمل پخش شرینی را هم از سوی کارگران بصورت مستقل پذیرا نبودند و چنان برخوردی در روز اول ماه می با ما و همکارانمان کردند که حتی صدای کسی که قرار بود دستور به زندان انداختن کارگران را بدهد ،هم درآمده بود. در اینجا ما حق ایجاد تشکل های مستقل کارگری و سندیکائی را نداریم و در طی ده سال گذشته که من خود در کنار همکارانم در این راه تلاش میکنم هرگز فشارهای امنیتی از جانب حاکمیت و دولت ها از بین نرفته و همانطور که مطلع شده اید، امروز بدون اینکه من ممنوع خروج باشم از همان لایوی گری های امنیتی براحتی قبل از سوار شدن به هواپیما از خروج من از کشور جلوگیری کردند و مرا از اینکه در این گرد همائی در کنار شما باشم محروم ساختند و با توقیف پاسپورتم، به نهاد های امنیتی و قضایی کشور هم معرفی شدم.

هر چند در ده سال گذشته نه تنها من بلکه فعالین سندیکائی و کارگری بارها و بارها به زندان افتاده اند و حبس های طولانی مدت برایشان صادر شده و همانطور که آگاه هستید در حال حاضر رضا شهبابی از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد حدود ۵ سال است که بخاطر فعالیت های سندیکایی و کارگری در زندان با شرایط وخیم جسمانی بسر میبرد و شاهرخ زمانی ، محمد جراحی ، جعفر عظیم زاده و بهنام ابراهیم زاده و دیگر کارگرانی که فقط به دلیل ایجاد و حق ازادی تشکیل تشکل های مستقل کارگری در زندان بسر میبرند و کارگرانی که بخاطر دفاع از حقوق حقه شان از کار بیکار شده اند، تا برای دیگر کارگران باعث عبرت شود تا دیگر صدائی ازاین کارگران به گوش نرسد.

اما دوستان عزیز در ده سال گذشته آنچه ما شاهد بودیم نه تنها این فشارها نتوانسته تلاشهای فعالین کارگری را متوقف کند بلکه کارگران بیشتری به میدان آمده اند و امروز کارگران در کشور ما به این آگاهی رسیده اند که فقط راه نجات آنها اتحاد و همبستگی مقابل صاحبان قدرت و سرمایه است و حتمن روزی خواهد رسید که در کشور من هم اتحادیه ها و سندیکاهای منسجم و مستقل شکل بگیرند. لذا نیرو و سرمایه کافی در این زمینه وجود دارد تنها فشارها و جو امنیتی و عدم امنیت شغلی روند این مسیر را کند کرده، هر چند که جایگزین کردن تشکل های دست سازی چون خانه کارگر و

شوراهای اسلامی کار و جدیداً انجمن صنفی های مختلف به جای سندیکاها و تشکل های مستقل کارگری کمک زیادی در متفرق کردن و دلسرد کردن کارگران برای ایجاد تشکل های خود در جامعه بوجود آورده ، اما هرگز خلی در اراده فعالین و کوشندگان راه کارگری بوجود نیامده است و با تمام ابزار فشارها همچنان محکم و مصمم ایستاده اند و دست از تلاش برنداشته اند و تا رسیدن به خواست ها و مطالبات واقعی کارگری این راه را ادامه خواهند داد.

سلام و درود به شما کارگرانی که فاصله ها و مرزها نتوانسته از اتحاد و همبستگی شما بکاهد، دوستان عزیز من خوشحال هستم که در دورانی زندگی می کنم که همبستگی و اتحاد بین کارگران حد و مرزی نمی شناسد و هر جایی که در دنیا کارگران مورد ستم و بی عدالتی صاحبان سود و سرمایه قرار بگیرند، دیگر کارگران دنیا با یکپارچگی و اتحاد صدای آنها را بگوش اقصی نقاط دنیا می رسانند و حتی بارها شاهد بوده و هستیم که از دورترین نقاط جهان به مسئولین کشور ما برای برسمیت شناختن حق آزادی داشتن تشکیلات کارگری و آزادی زندانیان کارگری با نامه نگاری ها و برگزاری اکسیون های مختلف هشدار داده اند و تاثیرات آن هم از کسی پوشیده نیست.

شما از ما امروز خوشبخت تر هستید، چراکه دارای فدراسیون های متحد کارگری هستید ، اتحاد و انسجام شما باعث دلگرمی و امیدواری کارگران دیگر کشورهای جهان است ، حتی در رادیو تلویزیون های دولتی ما از اعتصابات و تظاهرات و همبستگی کارگران اروپا که در قالب سندیکاها و اتحادیه ها دست به اعتراضات گسترده می زنند ، مرتبا خبر تهیه می کند و تبلیغات می کند ، اما متاسفانه در کشور خود ما حق هیچگونه ایجاد تشکل های مستقل سندیکایی و کارگری وجود ندارد و حق اعتصاب را برسمیت نمی شناسد. و دولت با حمایت از تشکل های ضد کارگری همچون خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار که هیچ جایگاهی در بین کارگران ندارند و هرگز از بدنه مشروعیت نمی گرفته،جامعه کارگری را به فقر و فلاکت رسانده ، جا دارد در اینجا از شما دوستان تقاضا کنم که با امکانات و حق اعتراضی که در کشورتان دارا هستید صدای دادخواهی مارا بگوش سازمان جهانی کاربرسانید تا از پذیرفتن نمایندگان پوشالی کارگری که خودشان را نمایندگان ما می دانند احراز هویت بخواهند و در واقع از نمایندگان واقعی کارگران در ایران دعوت به عمل آورند که همه ساله در ژنو برگزار می شود تا صدای واقعی کارگران را در ایران بهتر بشنوند ، در واقع می توانم بگویم خانه کارگر و زیر مجموعه های آن همچون شوراهای اسلامی کار بهتر از عوامل امنیتی در سرکوب کارگران در ایران نقش داشته اند و در خاموش و ساکت کردن کارگران از نهادهای نظامی امنیتی هم سبقت گرفته اند، در پایان باز هم از تلاش و همکاری شما برای دعوت از من سپاسگزاری می کنم و قدر شناسی خودم را نسبت به اهمیت این دعوت ابراز می دارم، هر چند که امروز به علت فشارهای زیادی که برای فعالین کارگری در اینجا وجود دارد نتوانستم در کنار شما باشم اما اکنون که در حال نوشتن این متن برای شما حاضرین محترم هستم احساس قلبی ام با شما و درکنار شما است برای همه شما عزیزان و تلاشگران کارگری بی مرز پیروزی و پایداری ارزومندم.

داوود رضوی فعال سندیکائی ۴ خرداد ۹۳

برابر با ۲۶ ماه می ۲۰۱۴